

ارتباط مدارس علمیه و جامعه را به طور سازمان یافته ای برقرار کرد؟

بله؛ به شرط این که مدیران مدارس به این مسئله اعتقاد داشته باشند؛ اما متأسفانه گاهی این اعتقاد یا توجه وجود ندارد! اگر مدعی جامعیت اسلام و پاسخ گویی آن به همه نیازها هستیم و اگر بنابر فرمایش امیرالمؤمنین، حکومت را امری بدیهی و ضروری می دانیم، باید نیکوکاران را به عرصه قدرت وارد کنیم تا فاسد بر ما مسلط نشود. مهم ترین رکن دین ما ولایت است، یعنی سرپرستی امور مسلمانان که از آن غفلت کرده ایم. به زبان گفته می شود ولایت؛ اما به عمق آن توجه نمی شود! ولایت امری سیاسی است، اما بعضی از این موضوع غافل هستند و به زبان حال یا قال دین را از سیاست جدا می کنند! این افراد طبیعتاً در مقام تربیت طلاب نیز روحیه سیاسی اجتماعی نخواهند داشت و آدم هایی منزوی تربیت می کنند که نهایتاً به احسان و نیکوکاری توجه می کنند. این مشکل عمده ای است که اگر حل نشود، این مسئله هم حل نخواهد شد و روز به روز عقب تر می رویم. در بدنه حوزه افرادی وجود دارند که فقط در زبان شیعه هستند! اهل تسنن هم می گویند امیرالمؤمنین فقط به سؤالات پاسخ دهد و قدرت در دست دیگری باشد! این ها هم می گویند در غیبت امام معصوم، فقیه به سؤالات پاسخ دهد و دیگران حکومت کنند! یعنی اسلام در زمان غیبت و در موضوع حکومت، که خدا می داند چقدر طول می کشد، طرح و برنامه ای ندارد!

اما به نظر می رسد این مشکل در تمام مدارس وجود دارد؛ حتی آن ها که قائل به اسلام سیاسی هستند! به طور مشخص آیا با تابلو «ورود عموم ممنوع» بر سر در مدارس، می توان این تعامل را برقرار کرد؟

البته این مشکل در زمان قدیم و بدون این تابلو هم بوده! نظم ورود و خروج افراد در یک مکان آموزشی، اشکالی ندارد؛ مهم این است که طلبه ای که دارد آن جا رشد می کند، با دغدغه های سیاسی اجتماعی تربیت شود. ممکن است درهای مدرسه ای باز باشد؛ اما خروجی اش دغدغه های سیاسی و اجتماعی نباشد...

منظور ارتباطات شخصی طلاب نیست؛ منظور ارتباطی است که طلاب در چار چوب مدرسه یا حوزه علمیه به صورت نظام مند با اجتماع برقرار کنند... قبل از این ارتباط، تربیت متناسب با این ارتباط و درمندی و دغدغه او مهم است. پیامبر (ص) فرمود: کسی که شب

است، معنایش این نیست که دشمن او هم خواب است! یک عده باید مدام دیگران را از خواب بیدار کنند؛ نیازی به بزرگ نمایی هم نیست! کافی است همان واقعیت برنامه های دشمن گفته شود تا مقدمات تحول فراهم شود. امیرمؤمنان (ع) روزگار ناسپاس را چنین توصیف می کنند: انزوی آدم های خوب، پیشروی و سرکشی ظالم و علمی که سودی بر ایمان ندارد! واقعیت همین است که میراث گران سنگی از اولیائمان داریم و گفتنی ها را ائمه معصومین (ع) گفته اند و ما هستیم که باید از این گنجینه استفاده کنیم. در آخر هم می فرمایند: از مصیبت های کوبنده هم آن قدر نمی ترسیم تا فرود آیند! کسی که سرش در کار خودش هست و از دشمن غافل است، از مصیبت های کوبنده بالای سرش هم نمی ترسد! کسی که از پرکاری دشمن و فعالیت های وهابیت و مسیحیت حتی در میان شیعیان غافل است، از پیامدهای برنامه های آن ها هم قطعاً غفلت دارد.

آیا برای رفع این آسیب، می توان

بالقوه ما شکوفا و انگیزه ما مضاعف می شود. در جای دیگری می فرمودند: «تکادون و لاتکیدون» دشمن برای شما نقشه می کشد، اما شما نقشه نمی کشید! دشمن پیش روی می کند، اما شما عصبانی نمی شوید! البته باید گفت جامعه مؤمنین ما این گونه هستند و حوزه هم بخش مهمی از همین جامعه است. قانع شدن به وضع موجود هم یکی از عوامل است. امیرالمؤمنین (ع) فرمود کسی که به زندگی مادی قانع و با آن سرگرم است، از نقشه هایی که برای او می کشند غافل می شود. برای همین است که مقام معظم رهبری پیوسته به مکر و فعالیت و تهاجم و شبیخون و غارت دشمن تذکر می دهند؛ اگر ایشان همیشه پیشرو، سرزنده، شاداب، با انگیزه و پرکار است، دلیلش همین توجه به دشمن است. نمی شود کسی به دشمن توجه داشته باشد و فعالیت او را رصد کند، اما خوابش ببرد! امیرالمؤمنین (ع) می فرمود: «من نام لم ینم عنه» اگر کسی خواب

است با تغییرات جزئی، مربوط به زمانی است که روحانیت در عرصه قدرت نبوده و نظام اسلامی نیز وجود نداشته است. تغییرات خیلی کند بوده و توجه نداریم که تحولات جامعه و زمانه شتاب زیادی گرفته است و حوزه با این سرعت نمی تواند به گرد این نیازها و تحولات برسد.

این کندی خیلی ضربه می زند و فرصت سوزی می شود؛ نیروهای انسانی زیادی هدر می روند، جوان های مشتاق و با استعدادی که وارد حوزه می شوند، اشباع نمی شوند و طبیعتاً خروجی آن هم قوی نخواهد بود. وقتی خروجی حوزه قوی نباشد، نخبه جوان این خروجی ها را به عنوان محصولات حوزه می بینند و باز خوردش این است که انگیزه ای برای ورود به حوزه پیدا نمی کنند! لذا برخی خروجی های حوزه در عمل، به ضد تبلیغی برای پذیرش حوزه تبدیل می شود؛ به جای افراد با انگیزه، افراد ضعیف ورود پیدا می کنند. اما اگر خروجی حوزه قوی باشد، خود آن ها عملاً مبلغ جذب نخبگان خواهند بود تا با افزایش سطح کیفی حوزه، بار مسئولیت های سنگین نظام اسلامی را بر دوش بکشند.

این کندی در حرکت و تحول چه علتی دارد؟

بخشی به دلیل نگرانی از نتیجه تحول است که نکند خراب تر شود! برای رفع این نگرانی می شود فکری کرد؛ لازم نیست طرح های جدید را برای همه اجرا کرد؛ می توانیم برای گروه های محدود و در مدت محدودی اجرا کنیم و طرح های مختلف را با گروه های مجزا بیازماییم تا نتیجه بگیریم.

اما دلیل دیگر آن به غفلت از دشمن و نیازهای جامعه برمی گردد. مشکل ما حوزویان این است که گاهی فقط هم دیگر را می بینیم؛ در فضاهای گل و بلبلی حوزه! سلام علیکم... مساکم الله... همیشه افراد هم فکر جلوی چشم مان هستند و مخالفان فکری را نمی بینیم یا کمتر می بینیم! این سرگرم شدن به خود و غفلت از برنامه ریزی ها و پیشروی های دشمن، انگیزه و تلاش لازم را از ما می گیرد. امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند شما قدرت ندارید که مثل من زندگی کنید؛ اما «عینونی بورع و اجتهاد» اگر می خواهید بار علی باشید، باید تقوا و تلاش شدید داشته باشید؛ با کم کاری نمی توان علی (ع) را یآوری کرد. آن اجتهاد و پرکاری در حوزه وجود ندارد و یک علتش همین ندیدن دشمن است، چون اگر به دشمن توجه داشته باشیم، غیرتی و هیجانی می شویم و نیروهای



حوزویان هنوز توجه ندارند که نه تنها نظام اسلامی که حتی دنیا از آن ها توقع دارد. چون خودشان را دست کم گرفته اند و به نیازهای جدید توجه ندارند، با این وضعیت جدید هماهنگ نشده اند؛ کند حرکت می کنند و از تحولات عقب می مانند!

کندی تحولات خیلی ضربه می زند و فرصت سوزی می شود؛ نیروهای انسانی زیادی هدر می رود و جوان های مشتاق و با استعدادی که وارد حوزه می شوند، اشباع می شوند.

